حسن بهشتی‌پور در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

سفر گروسی به ایران می‌تواند زمینه‌های احیای برجام را به وجود بیاورد

- باید از فرصت سفر گروسی استفاده کرد
- خروج از ان پی تی به معنای پایان برجام خواهد بود
- نباید به سمتی حرکت کرد که کشورهای غربی علیه ایران قطعنامه صادر کنند
- آغاز مذاکرات باعث فروکش کردن انتظارات تورمی در کشور خواهد شد
- رویکرد وزارت خارجه به دلیل هجمه کشورهای غربی است
- خروج از ان پی تی بسیاری از معادلات سیاسی را بهم می‌زند
- از نظر ایران نیز همه گزینه‌ها روی میز است

آرمان ملی- احسان انصاری: سفر گروسی به ایران چه اهمیتی دارد؟ آیا این سفر می‌تواند زمینه‌ساز گشایش‌هایی برای احیای برجام باشد؟ تهدیدات اروپا و رویکردی که وزارت خارجه در پیش گرفته چه پیامدهایی خواهد داشـــت؟ «آرمان ملی» برای پاسخ به این سوالات با حسن بهشتی‌پور، تحلیل‌گر روابط بین‌الملل گفت‌وگو کرده است. بهشتی‌پور معتقد است: «ایران این روزها بیشتر از هر عامل دیگری به بهبود در مناسبات ارتباطی با آژانس و ۱+۴ نیاز دارد تا بتواند مشکلات اقتصادی خود را کاهش دهد. هرگونه شکست در مذاکرات گروسی در تهران، باعث افزایش موانع در توافق بر سر مسائل هسته‌ای می‌شود. در صورت ایجاد یک چنین فضایی می‌توان پیش‌بینی کرد که نوسانات اقتصادی افزایش یابد. به هر حال ایران برای حل مشکلات اقتصادی‌اش به بازگشت به بازار نفت و توسعه مناسبات ارتباطی با سایر کشورها نیاز دارد. مسیر دستیابی به این شرایط هم از احیای برجام و دستیابی به توافق می‌گذرد.» در ادامه ماحصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

سفر رافائل گروسی به ایران که در آینده نزدیک انجام خواهد شد به چه میزان در مسیر احیای برجام تأثیرگذار خواهد بود؟

به‌طور کلی سفر گروسی به تهران به عنوان سفر مدیرکل آژانس ممکن است گشایشی در رکود موجود در پرونده هسته‌ای ایران ایجاد کند. یک احتمال این است که پاسخ ایران قانع‌کننده باشد و گروسی اعلام رضایت کند و توافقات مطلوبی میان دو طرف شکل بگیرد. این احتمال باعث شکل‌گیری فضای جدیدی میان ایران و آژانس می‌شود و اندکی از چالش میان طرفین می‌کاهد. از سوی دیگر نزدیکی ایران و آژانس باعث می‌شود تا روابط ایران با غرب هم شرایط بهتری پیدا کند و زمینه دستیابی به توافق فراهم شود. این روند برای ایران که به دنبال کاهش مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم است، بسیار مهم است. در صورتی که این نزدیکی ایجاد شود، از احتمال صدور قطعنامه‌های جدید علیه ایران در اواخر بهمن و اوایل اسفند جلوگیری می‌کند. قطعنامه‌هایی که قرار است از سوی کشورهای ۱+۴ و آمریکا علیه ایران صادر شود و تبعات منفی‌ای ایجاد کند. باید توجه داشت، نرسیدن به توافق با آژانس احتمال فعال شدن مکانیسم ماشه را بیشتر می‌کند و فشارها را بر ایران افزایش می‌دهد. البته باید توجه داشت، صدور قطعنامه‌های جدید علیه ایران منوط به مشارکت همه اعضای شورای امنیت سازمان ملل متحد است. بنابراین اگر ایران بتواند رضایت آژانس را کسب کند، هم به نفع اقتصادش و هم به نفع مناسبات ارتباطی‌اش در جهان و منطقه است. نباید فراموش کرد صدور قطعنامه‌های جدید ایران را دوباره ذیل فصل ۷ شورای امنیت سازمان ملل قرار می‌دهد و مشکلات را افزون می‌کند. مساله بعدی این است که نزدیک شدن ایران به آژانس و حل اختلاف‌ها، یکی از مهم‌ترین موانع پیش روی توافق با گروه ۱+۴ را از میان برمی‌دارد. در آذر ماه گذشته یکی از موانع اصلی عدم توافق میان دو طرف، ابهامات آژانس بود که با عنوان موارد پادمانی از آن یاد می‌شد. ایران در آن زمان معتقد بود که ابهامات باید در سطح کشورهای ۱+۴ برطرف شود اما طرف‌های مقابل می‌گفتند، آژانس باید در این زمینه نظر نهایی را اعلام کند. بنابراین اگر این موانع از طریق نزدیکی ایران و آژانس و اعلام رضایت گروسی رفع شود، زمینه برای آغاز مذاکرات فراهم می‌شود. می‌توان پیش‌بینی کرد دور جدید گفت‌وگوها پس از سفر گروسی به تهران آغاز شود. البته این موارد احتمالاتی است که در صورت اعلام رضایت آژانس رخ می‌دهد.

آغاز دور جدید گفت‌وگوهای ایران و غرب چه پیامدهایی دارد؟ احتمال توافق در دور جدید گفت‌وگوها به چه میزان است؟

بدون تردید آغاز این روند باعث فروکش کردن انتظارات تورمی در ایران می‌شود و زمینه را برای ثبات بیشتر اقتصادی فراهم می‌سازد. ایران این روزها بیشتر از هر عامل دیگری به بهبود در مناسبات ارتباطی با آژانس و ۱+۴ نیاز دارد تا بتواند چالش‌های اقتصادی خود را کاهش دهد. هرگونه شکست در مذاکرات گروسی در تهران، باعث افزایش موانع در توافق بر سر مسائل هسته‌ای می‌شود. در صورت ایجاد یک چنین فضایی می‌توان پیش‌بینی کرد که نوسانات اقتصادی افزایش یابد و مشکلات معیشتی مردم بیشتر شود. به هر حال ایران برای حل مشکلات اقتصادی‌اش به بازگشت به بازار نفت و توسعه مناسبات ارتباطی با سایر کشورها نیاز دارد. مسیر دستیابی به این شرایط هم از احیای برجام و دستیابی به توافق می‌گذرد. کارشناسان، وزیر و دیپلمات‌های وزارت خارجه نقش تعیین کننده در ارائه دیدگاه‌های درست و پیشنهادهای صحیح دارند. وزارت خارجه در هر کشوری وظیفه دارد مواضع سیاست‌های کلان در حوزه سیاست خارجی را با زبان دیپلماتیک در عرصه بین‌الملل دنبال کند. باید ببینیم چه شد که اتحادیه اروپا امروز این گونه مقابل ما موضع می‌گیرد. آیا وزارت خارجه مسئول این اتفاق بود؟ واقعیت آن است که مجموعه‌ای از عناصر و جریان‌های مختلف روی سیاست خارجی ما تأثیرگذارند و دستگاه دیپلماسی ما عمدتا مجری سیاست‌هایی است که از سوی نهاد بالادستی یعنی شورای عالی امنیت ملی تعیین می‌شود. هرچند وزارت خارجه تصمیم سازی در حوزه سیاست خارجی نمی‌کند، اما این را می‌پذیرم که کارشناسان، وزیر و دیپلمات‌های وزارت خارجه نقش تعیین کننده در ارائه دیدگاه‌های درست و پیشنهادهای صحیح دارند. البته باید دید چقدر این پیشنهادها شنیده می‌شود. به گذشته بنگریم و ببینیم که چند دیپلمات ما چیزهای مختلف گفتند و نامه نوشتند و این پیشنهادها و نظرات مورد توجه قرار گرفته و شنیده شده است.

> **چرا اروپایی‌ها ایران را به سمت اقدامات رادیکال سوق می‌دهند؟ برای اینکه می‌خواهند زمینه را برای مداخله در امور داخلی ایران فراهم کنند. در واقع آنها قصد دارند برای اقدام علیه ایران مقبولیت ایجاد کنند بنابراین ما باید هوشمندانه از اوضاعی که دارند برای ایران فراهم می‌کنند، تحلیل صحیح داشته باشیم**

با توجه به رویکردی که کشورهای غربی و به خصوص کشورهای اروپایی در مقابل ایران گرفته‌اند ایران باید چه واکنشی از خود بروز بدهد؟ آیا رویکرد تند ایران به دلیل رویکرد کشورهای اروپایی نیست؟

اگر اروپا می‌خواهد با چنین واکنشی از سوی ایران مواجه نشود، خودش ابتدا باید از اتخاذ مواضع رادیکال پرهیز کند. وزیر خارجه کشورمان اعلام نکرد که ایران از ان پی تی خارج می‌شود بلکه یک هشدار به اروپا داد. این موضع مشابه مواضع مقامات آمریکاست که می‌گویند همه گزینه‌ها روی میز هستند. آقای امیرعبداللهیان می‌خواهد بگوید از نظر ایران نیز همه گزینه‌ها روی میز است و ما هیچ کدام آنها را کنار نمی‌گذاریم بلکه انتخاب هر کدام بستگی به رویکرد طرف غربی دارد. حالا شاید برخی کارشناسان معتقد باشند که خروج از ان پی تی دشمنان ایران را زیاد می‌کند ولی وقتی طرف اروپایی اقدام رادیکال انجام می‌دهد چطور می‌توان از آقای امیرعبداللهیان انتظار داشت که مواضع متعادل دیپلماتیک اتخاذ کند؟ من اگر بودم هرگز نمی‌گفتم از ان پی تی خارج می‌شویم چون براساس ان پی تی قائلیم به اینکه انرژی هسته‌ای حق مسلم ماست؛ در واقع این حق را ان پی تی به ایران و همه کشورها داده است ولی وقتی طرف مقابل اقدامات رادیکال انجام می‌دهد قطعا من از او انتقاد کنم نه از وزیر خارجه کشورم. پارلمان اروپا بخشی از نیروهای مسلح ایران را تروریست اعلام کرد، البته خوشبختانه شورای وزیران اتحادیه اروپا چنین کاری را هنوز انجام ندادند و امیدوارم هرگز این کار را نکنند ولی معمولا عرف بین‌الملل این است که در مقابل اقدام رادیکال، اقدام رادیکال انجام می‌دهند ولو اینکه درست نباشد. اگر اروپا می‌خواهد با چنین واکنشی از سوی ایران مواجه نشود، خودش ابتدا باید از اتخاذ مواضع رادیکال پرهیز کند. چرا اروپایی‌ها ایران را به سمت اقدامات رادیکال سوق می‌دهند؟ برای اینکه می‌خواهند زمینه را برای مداخله در امور داخلی ایران فراهم کنند. در واقع آنها قصد دارند برای اقدام علیه ایران مقبولیت ایجاد کنند بنابراین ما باید هوشمندانه از اوضاعی که دارند برای ایران فراهم می‌کنند، تحلیل صحیح داشته باشیم. نکته دیگر درباره اصل مساله خروج ایران از ان. پی. تی است. به‌صورت کلی یک تصوری در ذهن برخی وجود دارد که ذخایر اورانیوم برای ایران جنبه بازدارندگی دارد و از این جهت موضوع تهدید به خروج از ان. پی. تی می‌تواند، نوعی از بازدارندگی ناشی از موضوع افزایش ذخایر اورانیوم در ایران را ایجاد کند و این مساله باعث می‌شود در هر موضوعی با این تهدید طرف غربی در رفتارش تجدیدنظر کند. برخی معتقدند این تفکر که با استفاده از قدرت هسته‌ای می‌توانیم بازدارندگی داشته باشیم و توان هسته‌ای را افزایش دهیم نهایتاً ما را به سمت خروج از NPT سوق خواهد داد. اما باید توجه داشت در هر سطحی که در این باره تصمیم‌گیری شود لازم است عواقب اجرای این تهدید ایران هر اندازه که بحق باشد سنجیده شود. عواقبی از این قبیل که خروج ایران از این معاهده می‌تواند یک جبهه جدید در عرصه بین‌الملل علیه ایران ایجاد کند. نیازی به گفتن نیست که بعد دیگر این مساله از بین رفتن کامل برجام است.

> **وزیر خارجه کشورمان اعلام نکرد که ایران از ان پی تی خارج می‌شود بلکه یک هشدار به اروپا داد. این موضع مشابه مواضع مقامات آمریکاست که می‌گویند همه گزینه‌ها روی میز هستند. آقای امیرعبداللهیان می‌خواهد بگوید از نظر ایران نیز همه گزینه‌ها روی میز است و ما هیچ کدام آنها را کنار نمی‌گذاریم بلکه انتخاب هر کدام بستگی به رویکرد طرف غربی دارد**

> **حالا شاید برخی کارشناسان معتقد باشند که خروج از ان پی تی دشمنان ایران را زیاد می‌کند ولی وقتی طرف اروپایی اقدام رادیکال انجام می‌دهد چطور می‌توان از آقای امیرعبداللهیان انتظار داشت که مواضع متعادل دیپلماتیک اتخاذ کند؟**

اگر ایران به سمتی حرکت کند که از ان پی تی خارج شود چه پیامدهایی خواهد داشت؟

امیرعبداللهیان می‌داند که بار حقوقی چنین اقدامی سنگین است؛ بنابراین نمی‌گوید که چنین اقدامی انجام می‌دهیم، بلکه در پاسخ می‌گوید همه گزینه‌های احتمالی روی میز قرار دارد و این یعنی، ایران از هر اقدامی که بتواند استفاده می‌کند و خروج از NPT نیز جزو این اقدامات است. به بیان دیگر، اگر فشارها به جمهوری اسلامی ادامه یابد، جهان باید حتی برای خروج ایران از پیمان منع گسترش هسته‌ای نیز آماده باشد. آن هم در حالی که NPT، یک پیمان مادر است و اظهارات وزیر خارجه، نوعی هشدار غیرمستقیم به طرف غربی، به این معنی که ایران را به خروج از NPT وادار نکنند؛ چراکه خروج از این پیمان به معنای آن است که ایران دیگر هیچ تعهدی به برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای نخواهد داشت و چنین واکنشی، احتمالا جزو گزینه‌های نهایی جمهوری اسلامی خواهد بود. برای مقابله با این فضاسازی‌ها هیچ راه‌حلی بهتر از رجوع به مردم و قوی کردن پشتوانه مردمی نظام وجود ندارد و روسیه، چین و هیچ قدرت دیگری، نمی‌تواند از ایران در مقابل این هجمه‌ها دفاع کند و این مردم هستند که باید به صحنه آورده شوند. به هر حال افکار عمومی دنیا پرونده‌سازی هسته‌ای را نوعی سلطه‌جویی برای محدودسازی ایران از سوی غرب تلقی می‌کند، اما در حوزه حقوق بشر، برخلاف اینکه ما حقوق بشر را یک موضوع بومی می‌دانیم و در داخل ایران بحث حقوق بشر اسلامی را مطرح می‌کنیم، بسیاری از کشورها در سطح بین‌المللی، حقوق بشر را یک موضوع جهانی می‌دانند و ارزش‌های اعلام‌شده در منشور جهانی حقوق بشر را قبول دارند و لذا از این ابزار برای فشار به کشورهایی که این منشور یا بخشی از آن را قبول ندارند، استفاده می‌کنند. اغتشاشات در ایران نیز مزید بر علت شد و غربی‌ها بهانه خوبی را برای فشار به ایران پیدا کردند و در موضوع حقوق بشر بسیاری از کشورها، حتی کشورهایی که در موضوع هسته‌ای مخالف سیاست‌های غرب علیه ایران بودند با آمریکا و اروپا همسو شدند و فشار بیشتری را متوجه ایران ساختند. براین اساس ایران الان با دو پرونده‌سازی هسته‌ای و حقوق بشری غرب علیه خود مواجه است که باید به‌شدت مراقب عدم ایجاد اجماع جهانی با فضاسازی غرب علیه خود باشد.

یادداشت

آلمان و فرانسه همچنان محورند

ابوالقاسم دلفی
سفیر اسبق ایران در فرانسه

در شرایطی که با ورود به ژانویه سال ۲۰۲۳ شصتمین سالگرد پیمان دوستی فرانسه – آلمان، به عنوان یکی از اصلی‌ترین مبانی و اسناد تحکیم بخش شکل‌گیری اتحادیه اروپایی و امضا شده توسط سران دو کشور در دومین دهه پس از پایان جنگ جهانی دوم را پشت‌سر می‌گذاریم، چشم‌انداز و افق روابط پاریس – برلین و روند تداوم وحدت اروپایی، حکایت‌هایی را بیان می‌دارد. زمانی که پیمان الیزه به امضا رسید و مبنای جدیدی برای روابط فرانسه و آلمان بعد از قرن‌ها رقابت و سه جنگ ویرانگر دو کشور که موجبات جنگ‌های جهانی را فراهم کرد پایه‌ریزی شد، جامعه اقتصادی اروپای آن دوران تنها شش کشور آلمان غربی، فرانسه، ایتالیا، بلژیک، هلند و لوکزامبورگ را شامل می‌شد و هدف اولیه تشکیل آن نیز به وجود آوردن یکپارچگی اقتصادی بین اعضا و به خصوص ایجاد بازار مشترک و اتحادیه گمرکی تعیین شده بود. در مقطع مورد بحث، آرون مک میلیان، نخست‌وزیر بریتانیا، نیکیتا خروشچف، رئیس اتحاد جماهیر شوروی، جان اف کندی، رئیس‌جمهوری ایالات متحده آمریکا و مائو تسه‌تونگ، رهبر جمهوری خلق چین بودند. ۶ دهه پس ازرونمایی از پیمان الیزه، اتحادیه اروپایی در حال حاضر ۲۷عضو دارد، آلمان غربی و شرقی یکپارچه شده، بریتانیا پس از الحاق در سال ۱۹۷۳، متعاقبا در سال ۲۰۲۰ در چارچوب برگزیت از اتحادیه اروپایی خارج شده و کلوپ اروپایی و اتحادیه جماهیر شوروی از صحنه جغرافیای سیاسی خارج شده‌اند، هرچند روسیه در تعقیب حیات شوروی، همچنان نظم جهانی را با حمله به اوکراین به چالش کشیده است، البته در این جهان متحول شده پس از شصت سال، همچنان هماهنگی آلمان و فرانسه در اروپا حائز اهمیت است لیکن این واقعیت در چارچوب جدیدی خود را نشان می‌دهد. بین این دو کشور روابط رئیس‌جمهوری فعلی فرانسه یعنی امانوئل مکرون و اولاف شولتز، صدراعظم آلمان فدرال آنچنان تعریفی ندارد. در پایان ماه اکتبر گذشته اجلاس مشترک دولت‌های فرانسه و آلمآنکه قرار بود تشکیل شود در آخرین دقایق به دلیل مشکلات بخش انرژی و دفاع به تعویق افتاد ضمن آنکه نشست بین آقای مکرون و شولتز در ماه دسامبر نیز تحت شرایط متشنج برگزار شد. باید یادآوری کرد که پس از تغییرات سیاسی در آلمان و خروج خانم مرکل از زندگی سیاسی کشورش، امانوئل مکرون درصدد تعادل بخشی به کمبود توازن در مناسبات آلمان و فرانسه با سایر کشورهای کلیدی اتحادیه اروپایی برآمده و به عنوان مثال به امضای پیمان دوستی با اسپانیا اقدام کرده است. همچنین در پایان سال ۲۰۲۱ مکرون پیمانی با ایتالیا به امضا رساند که بر اساس این پیمان فرانسه و ایتالیا متعهد شدند هماهنگی‌های بیشتری در زمینه‌های امنیتی، دفاعی، پناهندگان و حوزه‌های استراتژیک همچون G۵ و هوش مصنوعی و نیز اقتصاد کلان به عمل آورند و در همین چارچوب دو کشور مایلند تا پیش از هر یک از اجلاس‌های سران اتحادیه اروپایی هماهنگی‌های لازم را برای داشتن موضع مشترک به عمل آورند، امری که پیش از این برای مدت زمان طولانی بین فرانسه و آلمان انجام می‌شده است. در هر حال روابط مستحکم‌تر بین رئیسان جمهوری فرانسه و صدراعظم آلمان می‌تواند همکاری‌های سال‌های آتی اروپا را مستحکم کند. این همکاری‌ها از بخش انرژی تا موضوعات دفاعی را در برمی گیرد و از رهگذر آن دولت‌های عضو اتحادیه قدرت بیشتری برای تصمیم گیری و اجرای سریع تصمیمات برخوردار می‌شوند. البته به زعم اغلب کارشناسان روند وحدت اروپا را نباید از نظر دور داشت که سرانجام تهاجم روسیه به اوکراینکه منشاء پاره‌ای از اختلافات اساسی در اتحادیه و به ویژه بین پاریس – برلین بوده موضوعی اساسی برای آینده امنیت و دفاع اروپایی است که فرانسه و آلمان را بسیار متاثر خواهد کرد.

نکته

تلاش اروپا برای اقدامات تازه علیه سپاه

یک رسانه انگلیسی به نقل از چند مقام مطلع گزارش داده است، اتحادیه اروپا در حال بررسی راهکار قانونی برای قرار دادن نام سپاه پاسداران در فهرست به اصطلاح تروریستی این اتحادیه است. اقدامی که به‌شدت از سوی فرانسه و آلمان حمایت می‌شود. فایننشال تایمز نوشت: اتحادیه اروپا در حال بررسی گزینه‌های قانونی برای شناسایی سپاه پاسداران ایران به عنوان یک سازمان تروریستی است، اقدامی که یک تغییر سیاست بزرگ به شمار می‌آید و خطر پایان دادن به هرگونه امید برای احیای برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) را به دنبال دارد. این رسانه در ادامه آورد که این اقدام که به میزان زیادی از سوی فرانسه و آلمان، به‌عنوان دو عضو برجام حمایت می‌شود در پاسخ به ادعاها مبنی بر کمک نظامی ایران به روسیه در جریان جنگ علیه اوکراین باشد. چهار مقام مطلع از موضوع در گفت‌وگو با این رسانه بریتانیایی خاطرنشان کردند که پاریس و برلین در نشست هفته گذشته وزیران امورخارجه اتحادیه اروپا در بروکسل حمایت خود را از تروریستی خواندن سپاه پاسداران ایران اعلام کرده‌اند. بنابراین، سرویس حقوقی اتحادیه اروپا پیش‌نویسی را برای ۲۷ عضو اتحادیه در مورد قانونی بودن این اقدام ظرف سه هفته آینده ارائه خواهد کرد. جوزپ بورل، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در این باره اظهار داشت: بله، برخی کشورهای اروپایی از این کار حمایت می‌کنند. به نوشته فایننشال تایمز، بسیار غیرمعمول است که دولت‌ها نیروی نظامی یک کشور دیگر را به عنوان سازمان تروریستی اعلام کنند و حمایت از این اقدام نشان دهنده موضع سخت‌گیرانه پایتخت‌های غربی در قبال جمهوری اسلامی است. این روزنامه افزود: بریتانیا در حال حاضر نیز در حال انجام بررسی‌های خود برای تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران است. کاری که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در سال ۲۰۱۹ آن را انجام و سپاه پاسداران را در فهرست گروه‌های تروریستی این کشور قرار داد. فایننشال تایمز همچنین نوشت: موضع فرانسه و آلمان از آنجایی حائز اهمیت است که این دو کشور به‌علاوه انگلیس، روسیه و چین اعضای توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ با ایران به شمار می‌آیند. به گفته یک مقام فرانسوی، پاریس بیشتر مایل است که بخش‌های منطقه‌ای خاص از سپاه پاسداران را به‌عنوان نهادهای تروریستی به‌جای کل این نهاد معرفی کند، اما وزارت خارجه فرانسه به درخواست برای اظهار نظر درباره این موضوع پاسخی نداده است.

نگـــره

«سقوط» اختلافات را به اوج رساند

پخش سریال «سقوط» ساخته سجاد پهلوان‌زاده یک‌بار دیگر باعث شد سازمان صداوسیما از اختلافات قدیمی با پلتفرم‌های نمایشی پرده بردارد. پیمان جبلی، رئیس سازمان صداوسیما به رئیس‌جمهور نامه زد تا سایت و پلتفرم فیلیمو را فیلتر کند. در بخشی از نامه آمده است: «متأسفانه سکوی فیلیمو بدون توجه به مقررات، به دفعات در حوزه تولید و انتشار سریال‌ها، از اخذ مجوز استنکاف کرده و در مورد اخیر با انتشار قسمت اول سریال سقوط که با موضوعی کاملا امنیتی و بدون اخذ هرگونه مجوزی ساخته و منتشر شده است، سیاست‌های نظام در خصوص نحوه حضور و فعالیت برخی بازیگران که در حوادث و اغتشاشات اخیر به ارکان نظام توهین کرده و با پناه بردن به شبکه‌های سعودی- صهیونیستی قصد رهبری حوادث و ناآرام کردن فضای امنیتی کشور را دارند نیز، مد نظر قرار نداده است. در همین راستا این پلتفرم با بر هم زدن رویه‌های ممیزی محتوا، مالا تامین مالی چهره‌های بعضا مغرض را که محلی برای حضور در رسانه‌ملی یا تولیدات سینمایی دارای مجوز از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ندارند بر عهده گرفته است. به عنوان مثال و از قرار اطلاع برخی از چهره‌ها که حضور در جشنواره فیلم فجر یا تولیدات رسانه‌ملی به اصطلاح تحریم کرده‌اند در حال حاضر با بازی در آثار این پلتفرم یا دریافت پیش‌پرداخت‌های قابل توجه ضمن دهن‌کجی به ارکان نظام، از این طریق به حیات سیاسی خود ادامه می‌دهند.» اما پیش از پرداختن به چرایی این اقدام صداوسیما بهتر است کمی با ساترا و وظایف آن شویم.

ساترا چیست و چه کاری انجام می‌دهد؟

ساترا یا همان سازمان تنظیم مقررات رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی یک رگولاتور محتوایی است که قرار است تنظیم کننده رابطه میان پلتفرم‌های تنظیم کننده این محتوا با سایر نهادها باشد. طبق عرف جهانی رگولاتورها در نهایت بی‌طرف حاکمیتی قرار است میان پلتفرم‌های مستقل و نهادهای حاکمیتی داوری کنند. ساترا یکی از نهادهای زیرمجموعه صداوسیماست و داوری میان اختلافات صداوسیما و پلتفرم‌ها که هر دو در کار تولید صوت و تصویر هستند، در حقیقت تعارض منافع ایجاد می‌کند. این اختلافات پیش از این هم وجود داشت که دو طرف به هرحال تن به مصالحه دادند، اما در ماجرای سریال سقوط به نظر می‌رسد قرار نیست صدا و سیما کوتاه بیاید و این بار محکم ایستاده است.

سابقه اختلافات ساترا با رقبا

ساترا از زمان تاسیس تا امروز چالش‌های متعددی را با دیگر نهادهای حاکمیتی تجربه کرده است. در بهمن ماه سال ۱۳۹۹ ساترا اعلام کرد قرار است به‌خاطر محاسبه ترافیک برخی از سرویس‌های داخلی بر مبنای تعرفه بین‌المللی از محمد جواد آذری جهرمی به قوه قضائیه شکایت کند. این اظهارنظر بی‌پاسخ نماند و آذری جهرمی اعلام کرد ساترا نهاد قانونی برای این اقدام نیست و سازمان تنظیم مقررات ارتباطات خودش به این موضوع رسیدگی می‌کند. اظهارنظر وزیر سابق ارتباطات باعث شد کار به طعنه‌های تلویزیونی و تخریب رقیب در برنامه‌های مختلف صداوسیما کشید؛ از جمله علی ضیا که به طعنه گفته بود «برای مناطق محروم که تبلت و موبایل و آنتن ندارند، اینترنت G۵ افتتاح می‌کنید.» آن اظهارنظر البته با واکنش آذری جهرمی همراه شد. او در پست اینستاگرامی پاسخ علی ضیا را داد: «سیمای ملی است دیگر. اینقدر در فکر حذف این و آن از صداوسیما بودند که خودشان هم حواسشان نیست که رساندن اینترنت به روستاهای سیستان و بلوچستان و راه‌اندازی G۵ در تهران را با هم قاطی کرده‌اند.» مجری برنامه هم بعدا پاسخ آذری جهرمی را داد، اما نقطه اوج این دعواها به تابستان امسال برمی‌گشت؛ جایی که برخی از سریال‌های تولید شده توسط این پلتفرم‌ها بدون مجوز صداوسیما منتشر شدند. انتشار این سریال‌ها خشم ساترا را برانگیخت و این نهاد با زدن نامه به شورای عالی فضای مجازی و دادستانی خواستار فیلتر این پلتفرم‌ها شد. این موضوع واکنش پلتفرم فیلیمو را به دنبال داشت و مسئولان این پلتفرم از ساترا خواستند به صورت شفاف درباره مرجع قانون‌گذاری شفاف‌سازی کند. مسئولان ساترا پس از این بیانیه اعلام کردند مجوز هیچ کدام از این نهادها باطل نشده، اما بهتر است این پلتفرم‌ها قانون را رعایت کنند. اما انتشار سریال سقوط تنش‌ها را به نقطه جوش رساند. بعد از این اتفاقات جبلی رئیس سازمان صداوسیما نامه معروف رئیس‌جمهور را نوشت و از رئیسی خواست جلوی فعالیت‌های پلتفرم‌ها فیلیمو را بگیرد. در پی انتشار این نامه، انجمن صنفی شرکت‌های نمایش ویدئویی برخط با انتشار نامه‌ای سرگشاده خطاب به رئیس سازمان صداوسیما نوشت: «در این زمانه سخت که باران مشکلات از هر سو بر اقتصاد غیردولتی می‌بارد» به آن‌ها یادآوری کرده که ارزش تلاش برای حیات فرهنگی کشور چقدر است.»